

دانش نامهٔ دین

آمزش نامه

Indulgence

در آیین کاتولیک روم، یعنی بخشودگی ناتمام مجازات‌های دنیوی به سبب ارتکاب گناه و پس از آن که گناه به وسیلهٔ آیین توبه بخشوده شود. الاهیاتِ آمزش نامه‌ها بر این مفهوم استوار است که با آن که جرم گناه و مجازات ابدی آن، به وسیلهٔ آیین توبه بخشوده می‌شود، محبت و عدالت الاهی خواهان آن است که فرد گناهکار برای جرم خود تاوان بپردازد؛ در این دنیا یا در برزخ.

تاریخ آمزش نامه پیوند محکمی با مقررات توبه در کلیسای اولیه مسیحی دارد. آیین توبه در بسیاری از اوقات برای اشاره به تعمیدی ثانوی و دشوارتر به کار رفته است که طی آن فرد توبه کار می‌کوشید تا نه تنها خود را

از جرم گناه، بلکه از مجازات دنیوی نیز رها سازد. برای نیل به این هدف، توبه‌های تنظیم شده (قانونی) برای جبران دین، و تاوان مجازاتی مقرر می‌شد که ناشی از گناه بود. بعدها در اوایل قرون وسطا، شیوه‌هایی مطرح شد که توبهٔ قانونی طولانی، جای خود را به دوره‌هایی از روزه‌گیری (معمولاً چهل روز، یک قرنطینه) نمازهای شخصی خاص، خیرات و پرداخت پول که قرار بود برای مصارف دینی استفاده شود، داد. اولین کسی که اقدام به اعطای آمزش نامهٔ کامل یا مطلق کرد، پاپ اربن دوم به مناسبت جنگ صلیبی اول (۱۰۹۵) بود. در فرمان آمزش نامه آمده بود: «هر که تنها از سرِ پارسایی و نه برای به دست آوردن شهرت یا پول،

دریافت‌کنندگان حرفه‌ای درآورد، مبلغ کمی نبود. دست کم محتمل است که واعظان از حدود این آموزه پا را فراتر گذاشتند و افراد خوش‌باور را به این بیراهه انداختند که باور کنند که آموزش‌نامه، بدیل و جانشین رنج و اعتراف حقیقی است. نیز به نظر می‌رسد که این اصطلاح بسیار شایع «از هر گناه و مجازات» در این بدفهمی سهم بود.

مواد ۹۵ گانه مارتین لوتر (۱۵۱۷) تا اندازه‌ای اعتراض به کاربست خودسرانه و عنان‌گسیخته آموزش‌نامه‌ها بود و در شعله‌ور شدن آتش مناقشه بر سر آموزش‌نامه سودمند افتاد. با این حال، تا زمان برگزاری شورای ترنت در سال ۱۵۶۲، به سوءاستفاده‌های ناشی از فروش آموزش‌نامه‌ها ادامه داده شد. نام و منصب خزانه‌دار (*quasetor*) و نیز همه امتیازات آن لغو شد. پنج سال بعد، پیوس پنجم همه آموزش‌نامه‌هایی را که برای آنها پرداخت پول و خیرات تجویز شده بود، لغو کرد و دستور داد تا اسقفان تمامی نامه‌های پایی (*briefs*) را که در آن این آموزش‌نامه‌ها اعطا می‌شد، نابود کنند. با این حال، کلیسای کاتولیک رم از این اعتقاد دست برداشت که از خزینه شایستگی کلیسا می‌توان دین

به اورشلیم رود تا کلیسای خدا را آزاد کند، می‌تواند آن سفر را به جای همه توبه حساب کند.»

پس از قرن دوازدهم، توجه به آموزش‌نامه‌ها بسیار شایع شد. اینوسنت دوم آموزش‌نامه‌ای چهل روزه برای دیدار و سهم شدن در تزیین کلیسای بزرگ کلونی اعطا کرد (۱۱۳۲). به سرعت هر کلیسایی فارغ از میزان اهمیتش برای تسریع در کار بازسازی، آموزش‌نامه‌ای خاص خود داشت. فقدان آشکار تناسب میان مبلغ ناچیز پولی که اهدا می‌شد، با مجازاتی که آرمزیده می‌شد، الاهدانان بزرگ و فهم آن عصر را با مشکلی مواجه ساخت. راه حل پیشنهادی آنان این بود که پول‌های اهدایی و سایر کارهای زاهدانه را نباید جایگزین‌هایی برای توبه قانونی دانست، بلکه آنها شرایطی برای کسب آرمزشند. این خزینه سرشار از شایستگی کلیسا است که دین گناه را جبران می‌کند.

رسم طلب کردن هدایا به عنوان شرط لازم برای آرمزش‌نامه‌های خاص، به شکلی اجتناب‌ناپذیر راه را برای سوءاستفاده‌های جدی فراهم ساخت. پول‌های گردآوری شده‌ای که سر از جیب‌های کشیشان آرمند و

چند سنت متباین و مختلف ظهور کرد. شورای کالسدون اعتقادنامه‌ای را پذیرفت که اعلام می‌کرد که باید «به دو طبیعت در مسیح، بدون هیچ‌گونه اختلاط، استحاله، انقسام یا انفکاک‌ی اذعان کرد.» جهت‌گیری این قاعدهٔ اعتقادی تا حدی علیه این آموزهٔ نسطوری بود که آن دو طبیعت در مسیح جدای از هم باقی مانده‌اند و نیز تا حدی علیه دیدگاه یوتیکس (Eutyches) راهب بود که بنابر تعلیم او، مسیح پس از تجسد فقط یک طبیعت داشت و لذا جنبهٔ بشریت مسیح متجسد، جوهری متفاوت با جوهر دیگر انسان‌ها داشت. رقابت‌های سیاسی و کلیسایی و نیز الاهیاتی، در تصمیم کالسدون برای عزل و تکفیر سراسقف اسکندریه، یعنی دیوسکوروس (Dioscorus) (متوفای ۴۵۴) نقش داشت. کلیسایی که از دیوسکوروس حمایت کرد و بر سازگاری تعلیم او با آموزهٔ سنتی و متعارف قدیس سیریل اهل اسکندریه تأکید نمود، به «تک‌ذات‌انگار» موسوم شد. بیشتر محققان جدید قبول دارند که ممکن است سوروس و نیز دیوسکوروس از چیزی که به مثابهٔ عقیدهٔ رایج و راست‌کیشی تعریف شده بود فاصله گرفته باشند، و این بدان سبب است که

گناه را پرداخت. در اعتقادات و سنت امروزی کلیسای کاتولیک رم، فرد برای کسب آموزش باید در موقعیت فیض باشد. به عبارت دیگر، او نباید در ذمهٔ خود هیچ گناه ناجنشوده بزرگی داشته باشد. او باید نیت کسب آموزش داشته، شخصاً کارهای نیک تجویز شده را انجام دهد. آموزش‌نامه‌ها را می‌توان در مورد ارواح مردگان نیز به کار برد. در این موارد، کلیسا می‌تواند آموزش‌نامه‌ها را مستقیماً به مردگان اعطا کند. آموزش‌نامه‌ها را تنها می‌توان بنا به تقاضا نه به عنوان یک هدیه اعطا کرد.

"Indulgence" In Merriam - Webster's
Encyclopedia of World Religions.

بهروز حدادی

تک‌ذات‌انگار Monophysite

در مسیحیت، تک‌ذات‌انگار معتقد است که طبیعت عیسی مسیح، همان‌طور که در سال ۴۵۱ در شورای کالسدون تصدیق شد، واحد و «خدا-انسان‌وار» (Theanthropic)، یعنی الوهی و بشری است، نه این‌که دو طبیعت متمایز، الوهی و بشری، را در شخص واحد متجلی سازد. در قرون چهارم، پنجم و ششم در جریان تحولات در اعتقادات مسیحی،

مسیحیت و اسلام است.

در این سه دین توحیدی بزرگ، اعتقاد بر آن است که ذات و خصلت خداوند، بی نظیر و بی مانند و اساساً متفاوت از خدایان دیگر ادیان است. خدا را خالق جهان و انسان می دانند. افزون بر این، خداوند جریبان آفرینش را رها یا متوقف نمی کند، بلکه پیوسته با قدرت و حکمت خویش در کار آفرینش است. خدا نه تنها جهان کیهانی، بلکه نوعی نظام اخلاقی را آفریده است که انسان باید با آن نظام هماهنگ باشد. خداوند، قدوس و منبع والاترین خیر است. چنین نظام اعتقادی توحیدی، دیگر نظام های اعتقادی را به مثابه ادیان باطل نفی می کند و این نفی تا حدی دیدگاه پرخاشگرانه یا نامتساهل ادیان توحیدی در طول تاریخ را تبیین می کند. شواهد موجود در کتب مقدس

عبری نشان می دهد که بنی اسرائیل در عهد باستان بر آیین یکتاپرستی بوده اند (یعنی پرستش یک خدا بدون نفی وجود خدایان دیگر)، اما چون یهودیان، خدایان دیگر را نفی می کنند شایسته است تا دین تحول یافته اسرائیل و لذا یهودیت یونانی مآب و حاخامی را که شکل تحول یافته آن است، توحیدی

آنها بیش از آن که بر نفی هم گوهری (consubstantial) جنبه بشری مسیح و بشریت بشر تأکید کنند، بر اتحاد عمیق جنبه الهی و جنبه انسانی در مسیح تأکید کردند.

در دوران جدید، کلیساهایی که معمولاً زیر عنوان «تک ذات انگار» طبقه بندی شده اند (کلیسای ارمنی، ارتدوکس قبطی، ارتدوکس اتیوپی، و ارتدوکس سریانی)، چون در عقیده خود نسبت به عیسی مسیح راست گیش اند، عموماً مورد پذیرش آیین کاتولیک رومی، ارتدوکس شرقی، و آیین پروتستان قرار می گیرند و به همین سبب تفاهم نامه های مشترکی نیز صادر گردیده است.

"Monophysite" in Merriam - Webster's Encyclopedia of World Religions.

علی شهبازی

توحید **Monotheism**

توحید، یعنی اعتقاد به وجود یک خدا، یا اعتقاد به وحدانیت خدا. بدین ترتیب، توحید از چندخدایی، یعنی اعتقاد به وجود خدایان متعدد و از الحاد و بی خدایی، یا اعتقاد به این که خدایی نیست، تمیز داده می شود. توحید وصف بارز سنت های دینی یهودیت،

کلیسا است، بر این اعتقاد و باور مبنی است که رسالت تعلیمی عیسی مسیح به کلیسا سپرده شده است و نیز این که کلیسا مطابق اختیار و حق که از جانب مسیح به او واگذار شده، به کمک و مساعدت روح القدس به این تعلیم وفادار خواهد ماند. در این معنا، این آموزه گرچه متمایز است، با مفهوم نقصان‌ناپذیری یا این آموزه مرتبط است که فیض وعده داده شده به کلیسا، پایداری آن را تا پایان جهان تضمین می‌کند.

در کلیسای اولیه و قرون وسطا به ندرت از اصطلاح یا واژه خطاناپذیری نام برده می‌شد. منتقدان این آموزه موارد مختلفی را در تاریخ کلیسا نشان داده‌اند که در آنها، بنابر آنچه گفته شده، پساپها آموزه‌های بدعت‌آمیز و کفرآمیزی را تعلیم داده‌اند. یکی از مهم‌ترین این موارد مربوط به هونوریوث اول (۶۲۵-۶۲۸) است که توسط سومین شورای قسطنطنیه (۶۸۰-۶۸۱)، که ششمین شورای جهانی کلیساها بود، محکوم شد.

این تعریف اعلام‌شده از سوی اولین شورای واتیکان که در خلال بحث‌های قابل توجهی تثبیت شده، بیانگر شرایطی است که تحت آن می‌توان قائل

بنامیم. توحید اسلامی نسبت به هر دین دیگری دقیق‌تر و انعطاف‌ناپذیرتر است. اعتقاد بر آن است که خدا یکتا، ازلی و ابدی، نازاده، بی‌همتا و مطلقاً بی‌شریک است.

از طرف دیگر، عقیده تثلیث موجب تمایز مسیحیت از آن دو سنت دینی دیگر می‌شود. کتاب مقدس مسیحی در آیین‌های عبادی سه گانه از پدر، پسر و روح القدس استمداد می‌کند؛ کلیسای نخستین بر مبنای همین امر، هنگام تأمل در باب واقعیت خداوند در ارتباط با عیسی، نوعی زبان الاهیاتی را در مورد تثلیث پروراند، و در مورد سه شخص گفت که این اشخاص سه گانه از حیث جوهری واحد هستند.

"Monotheism" in Merriam - Webster's Encyclopedia of World Religions.

علی شهبازی

Papal Infallibility خطاناپذیری پاپ
در الاهیات کاتولیک رومی این آموزه بدین معنا است که پاپ در مقام بزرگ‌ترین معلّم و در شرایطی خاص، یعنی زمانی که در موضوعاتی نظیر ایمان و اخلاقیات تعالیمی را ارائه می‌دهد، مرتکب خطائی نمی‌شود. این آموزه که یکی از عناصر مفهوم عام‌تر خطاناپذیری

سرزمین تاریخی فلسطین است، مکانی که در آن یکی از تپه‌های اورشلیم باستان را صهیون نامیده بودند.

در قرون شانزدهم و هفدهم شماری از «نجات‌دهندگان»^۲ کوشیدند تا یهودیان را به بازگشت به فلسطین ترغیب کنند. در هر حال، جنبش روشنگری^۳ در اواخر قرن هجدهم یهودیان را به پذیرش جهان سکولار غرب مجبور کرد و تا اوایل قرن نوزدهم بیشتر مسیحیان هزاره‌گرا علاقه به بازگشت یهودیان به فلسطین را زنده نگاه داشتند. به رغم نهضت روشنگری، یهودیان اروپای شرقی تمایلی به این امر نداشتند و در واکنش به برنامه‌های حکومت تزار «دوستداران صهیون»^۴ را برای بهبود اسکان کشاورزان و پیشه‌وران یهودی در فلسطین تشکیل دادند.

تئودور هرتسل،^۵ روزنامه‌نگار اتریشی، اولین کنگره صهیونیستی (۱۸۹۷) را در شهر بال^۶ سوئیس برگزار کرد که طرح جنبش بال را ارائه می‌کرد؛ این امر بیانگر آن بود که «صهیونیسم

شد که پاپ بدون خطا یا *en Calhedra* یعنی «از جایگاه خاص خود» سخن گفته است و در نتیجه بدیهی است که پاپ در برخی موضوعات دینی و اخلاقی خواهان قبول قطعی و بی‌چون و چرای کل کلیسا باشد. به رغم این که توسل به آموزه خطاناپذیری اندک بوده و نیز به رغم این که بر مرجعیت اسقف‌ها در دومین شورای واتیکان (۱۹۶۲-۱۹۶۵) تأکید شده، این آموزه در برابر تلاش‌های جهانی برای اتحاد کلیساها در اواخر قرن بیستم مانعی عمده بوده است. این امر حتی در میان الاهیدانان کاتولیک نیز موضوعی بحث‌برانگیز بوده است.

"Papal Infallibility" in *Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, P.841.

شهاب‌الدین وحیدی

صهیونیسم

صهیونیسم عبارت است از جنبش ملی‌گرایانه یهودیان که هدفش ایجاد دولت ملی یهودی در فلسطین، سرزمین باستانی یهودیان (به زبان عبری: سرزمین اسرائیل)^۱ است. اگرچه صهیونیسم از اروپای شرقی و مرکزی در اواخر قرن نوزدهم پدیدار شد، به شیوه‌های گوناگون نوعی تداوم دل‌بستگی ملی‌گرایانه کهن یهودیان و یهودیت به

1. Eretz yisra'el

2. Messiahs

3. Haskalah

4. Hovevei Ziyyon

5. Theodor Herzl

6. Basel

یهودی در فلسطین متعهد شد.

در سال‌های بعد صهیونیست‌ها در فلسطین اقامتگاه‌های شهری و روستایی برای یهودیان ایجاد کردند و سازمان‌های مستقل را تکمیل کردند و حیات فرهنگی یهود و تعلیم زبان عبری را استحکام بخشیدند. در مارس ۱۹۲۵، جمعیت یهودی فلسطین به طور رسمی صد و هشت هزار نفر تخمین زده شد و در ۱۹۳۳ این تعداد تا حدود دویست و سی و هشت هزار نفر افزایش یافت. جمعیت عرب از این امر که فلسطین در نهایت به دولتی یهودی تبدیل خواهد شد و ناگزیر است که سرسختانه در برابر صهیونیسم و سیاست انگلیس مقاومت کنند، رعب‌زده بودند. شورش اعراب خصوصاً در سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ باعث تدبیر انگلیس جهت برقراری صلح میان خواسته‌های اعراب و صهیونیست شد. هنگامی که تنش میان اعراب و صهیونیست‌ها بیشتر شد، انگلیس مسئله فلسطین را به سازمان ملل واگذار کرد و این سازمان در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ پیشنهاد کرد که این کشور به دولت‌های مستقل عرب و

می‌کوشد تا برای یهودیان موطنی در فلسطین ایجاد کند که حقوق عمومی آن را تضمین کند.» صهیونیسم تا پیش از جنگ جهانی اول صرفاً اقلیتی از یهودیان بود که بیشتر آنها از روسیه بودند، اما از سوی اتریشی‌ها و آلمانی‌ها هدایت می‌شدند. صهیونیسم تبلیغات خود را از طریق سخنوران و جزوات گسترش داد، روزنامه‌های خاص خود را منتشر کرد و در ادبیات و علوم انسانی به آنچه که «رئسانس یهودی» نامیده می‌شد، تحرک بخشید. توسعهٔ زبان عبری جدید تا حدود زیادی در این دوره صورت گرفت.

شکست انقلاب روسیه ۱۹۰۵ و به دنبال آن موج قتل عام و سرکوب‌ها، به مهاجرت شمار زیادی از جوانان یهودی روسی به فلسطین و اقامت در آنجا انجامید. تا سال ۱۹۱۴ حدود نود هزار یهودی در فلسطین حضور داشتند. با شروع جنگ جهانی اول، صهیونیسم سیاسی دوباره آشکار شد و رهبری آن به یهودیان روسی مقیم در انگلستان واگذار شد. وایتسمان کایم^۱ و سکولوف ناهوم^۲ در اجرای اعلامیه بالفور^۳ از سوی بریتانیای کبیر (۲ نوامبر ۱۹۱۷) مؤثر بودند، بر اساس این اعلامیه، انگلیس به حمایت از ایجاد موطن ملی

1. Chaim Weizmann

2. Nahum Sokolow

3. Balfour

می‌شود؛ نیز منشأ یا علت آن حالت. به طور سنتی آن منشأ به گناه آدم نسبت داده می‌شود که با خوردن میوه ممنوعه از دستور خدا سرپیچی کرد و در نتیجه، گناه و خطایش با توارث به فرزندان منتقل شد.

اگرچه این وضعیت انسان (گرفتاری و رنج، مرگ و میر و تمایل عمومی به گناه) بر موضوع هبوط آدم که داستان آن در بخش‌های نخستین سفر پیدایش آمده، استوار است، عهد عتیق در مورد انتقال گناه اجداد به تمام بنی آدم چیزی نمی‌گوید. در اناجیل جز اشاراتی به مفهوم هبوط آدم و گناه عمومی چیزی یافت نمی‌شود. تأیید عمده‌ای که از کتاب مقدس برای این نظریه آورده شده، در نوشته‌های پولس قدیس و به ویژه در رساله به رومیان (۱۲:۵-۱۹)، یافت می‌شود. پولس در این عبارت مشکل، تناظری میان آدم و عیسی مسیح برقرار کرده، بیان می‌دارد که گناه و مرگ توسط آدم وارد دنیا شد، همچنان که فیض و زندگی جاوید و ابدی به مقیاس بسیار فراوان‌تری توسط عیسی برای جهان به ارمغان آمد. مناظره آگوستین قدیس با پلاگیوس به تثبیت مسئله گناه‌آلودگی وضعیت آدمی به عنوان یک عنصر اصلی در

یهود، تقسیم شود و شهر اورشلیم بین‌المللی گردد. ایجاد دولت اسرائیل در ۱۴ مه ۱۹۴۸ باعث جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸-۱۹۴۹ شد که در طی آن اسرائیل سرزمین‌هایی را، بیشتر از آنچه که در قطعنامه سازمان ملل پیشنهاد شده بود، غصب کرد و هشتصد هزار عرب آواره به نام فلسطینیان را اخراج کرد.

در دو دهه بعد، سازمان‌های صهیونیستی در بسیاری کشورها حمایت مالی از اسرائیل و تشویق یهودیان جهت مهاجرت به آنجا را افزایش دادند. در هر حال، اکثر یهودیان با دیدگاه رایج بسیاری از یهودیان کاملاً سنتی اسرائیل مبنی بر این‌که یهودیان در خارج از اسرائیل در «تبعید» زندگی می‌کنند و فقط در اسرائیل می‌توانند از زندگی کامل برخوردار شوند مخالفند.

"Zionism" in Merriam - Webster's Encyclopedia of World Religions, P.1163.

طیبه مقدم

گناه نخستین Original Sin
بر طبق تعالیم مسیحی، یعنی وضع یا حالتی از گناه که هر انسانی با آن زاده

هم داد تا این پیشنهادها ظرف چند هفته در سراسر آلمان بر سر زبان‌ها بیفتند. از این‌رو، آنها رفته‌رفته به مانیفستی تبدیل شدند که اعتراض علیه داستان رسوای آمرزش‌نامه‌ها را به بزرگ‌ترین بحران در تاریخ کلیسای غرب مسیحی تبدیل کرد.

آمرزش‌نامه‌ها مبادله مقداری پول در ازای مجازات موقت ناشی از گناه و به عبارت دیگر، تاوان عملی و از آیین توبه بوده است. این آمرزش‌نامه‌ها با استفاده از اقتدار پاپ اعطا می‌شد و کارگزاران مجاز آن را در دسترس قرار می‌دادند. در هیچ زمانی ادعا نشد که از آنها آمرزش الاهی را می‌توان خرید یا فروخت یا برای کسانی که ناپشیمانند یا اعتراف نکرده‌اند سودمندند. اما در قرون وسطا و همزمان با شدت یافتن بحران‌های مالی دستگاه پاپی، بسیار رواج یافتند و سوءاستفاده‌ها شایع شد. بدفهمی‌های دیگر پس از آن رخ داد که پاپ سیکتوس چهارم آمرزش‌نامه را به ارواح در برزخ نیز تعمیم داد. اظهارات غالباً موهن فروشندگان آمرزش‌نامه‌ها دستتایه اعتراض‌های الاهدانان شد.

علت مستقیم این رسوایی در آلمان در سال ۱۵۱۷ عبارت بود از موضوع آمرزش‌نامه‌ای که برای بازسازی

الاهیات غالب مسیحی کمک کرد.

"Original Sin" in Merriam - Webster's Encyclopedia of World Religions, P. 83.

شهاب‌الدین رحیدی

مواد نود و پنج‌گانه لوتر

پیشنهادهایی برای بحث که توجه خاصی به موضوع آمرزش‌نامه‌ها داشت و به زبان لاتینی به قلم مارتین لوتر نوشته شد. دیرزمانی اعتقاد بر این بود که لوتر این پیشنهادها را بر در Schosskirche (کلیسای جامع) در ویتنبرگ در ۱۳ اکتبر ۱۵۱۷ نصب کرد، اما اصالت تاریخی این واقعه مورد تردید قرار گرفته است. بر اساس برخی شواهد، لوتر پیشنهادهای یادشده را در ۳۱ اکتبر سال ۱۵۱۷ به اسقف‌ها نوشت، اما پاسخی دریافت نکرد و سپس آن را در میان دوستان و آشنایان فرهیخته توزیع کرد. به هر حال، این واقعه در قرن هفدهم به عنوان نقطه آغاز نهضت اصلاحات پروتستانی شناخته شد.

معمولاً پیشنهادهای لوتر تنها برای الاهدانان جالب توجه بوده است، اما اوضاع سیاسی و دینی این عصر و این واقعیت که صنعت چاپ به تازگی اختراع شده بود، همگی دست به دست

در این پیشنهادها، امتیازمقام‌پایی در این موضوع انکار نشده بود، هر چند سیاست پاپ به طور ضمنی مورد انتقاد قرار گرفته بود. ویژگی معنوی و باطنی مسیحیت مورد تأکید قرار گرفته بود، این واقعیت مورد تأکید قرار گرفته بود، که از مردمان مستمند و بینوا پول ستانده شده، به دربارِ ثروتمندِ پاپ در رم ارسال می‌گردد و این همان نکته‌ای بود که مدت‌های مدیدی آلمانی‌ها را بابت کمک به رم رنجانده بود.

سراسقف، سراسقف ماینز زنگ خطر را به صدا درآورد و آزرده‌خاطر شد و در دسامبر سال ۱۵۱۷ مدارک خود را به رم فرستاد و خواستار طرد لوتر شد. در ژوئن سال ۱۵۱۸، یکی از الاهیدانانِ دومینیکن اعلامیه‌ای بر ضد اعلامیه لوتر تنظیم کرد و در برابر مخاطبان دومینیکن در فرانکفورت از آن دفاع کرد. هنگامی که لوتر دریافت که مواد پیشنهادی وی آنچنان مورد توجه قرار گرفته، نوشته مفصلی را، که در آن مواد نود و پنج‌گانه توضیح داده شده بود، به زبان لاتینی فراهم آورد و در پاییز سال ۱۵۱۸ منتشر کرد.

"Ninety-Five Theses" in *Merriam - Webster's Encyclopedia of World Religions*, PP. 813.

پهروز حدادی

کلیسای سنت پیتر در رم وضع شده بود. اما در توافقی سرّی که بیشتر آلمانی‌ها از آن چیزی نمی‌دانستند، نیمی از درآمدهای آلمان قرار بود که برای ادای بدهی عظیم آلبرت اهل ماینز، سراسقف و الکتور، به خانوادهٔ ثروتمندِ فوگر بابت مخارج نصب او به مقام‌های عالی از سوی پاپ، هزینه شود. ژان تتسل، راهب دومینکن و کارگزار پاپ در آلمان، ادعاهای گزافی در باب آمرزش‌نامه‌هایی که می‌فروخت، می‌کرد. فروش این آمرزش‌نامه‌ها در ویتنبرگ از سوی الکتور فردریک خردمند ممنوع شده بود. وی ترجیح می‌داد که مؤمنان اعانات و خیرات خود را به مجموعهٔ عظیمی از آثار باقی‌مانده اختصاص دهند که وی در «کلیسای همهٔ قدیسان» نمایش داده بود. به هر حال، اعضای کلیسای ویتنبرگ نزد تتسل رفتند و (سپس) آمرزش‌نامه‌های دریافت‌شده از وی را به لوتر نشان دادند. لوتر با مشاهده آنچه آن را خطای الاهیاتی عظیم می‌دانست، دست به کار نوشتن مواد نود و پنج‌گانه شد.

مواد پیشنهادی گزینه‌هایی غیرقطعی بود که لوتر در باره بعضی از آنها تصمیمی نگرفته بود.

نماز زرتشتی

● نماز گاه هاوَنَ (بامدادان = از برآمدن خورشید تا نیمروز)
 درود و ستایش باد به گاه بامداد پاک،
 سرآمد پاک. درود و ستایش باد به
 دهبان سودبخش پاک، سرآمد
 پارسایی. در این گاه می‌ستایم مهر
 پیوندگار جان، بسیار بینای بسیار
 شنوای نامور، پرورنده تن و
 رامش بخش روان را.

● نماز گاه رَپِثوین (از نیمروز تا پسین)
 درود و ستایش باد به نیمروز پاک،
 سرآمد پاک. بدین گاه درود و ستایش
 باد به شهربان مردم پرور پاک سرآمد و
 به اردیبهشت و آتش اهورا مزدا.

● گاه اَزیرین (از پسین تا شامگاه)
 درود و ستایش باد به گاه پسین و بدین
 گاه، درود و ستایش باد به کشوربان
 دلاور پرور پاک، سرآمد پاک و درود
 و ستایش باد به سرچشمه آب‌های
 مزدا داده.

● نماز اوی سروثریم گاه (از شامگاه تا نیمه‌شب)
 درود و ستایش باد به شام گاه، نگهبان
 زندگی پاک، سرآمد پاک، و بدین گاه

نماز و به طور کلی نیایش در شریعت
 مزدیسنا از جایگاه والایی برخوردار
 است، به گونه‌ای که هر بهدینی
 می‌بایست در هر روز بخشی از وقت
 خود را صرف نماز و نیایش نماید.

واژه «نَمَه» که همان نماز فارسی است
 و همچنین کلمه «وَهْم» که به معنای دعا
 و نماز و ستایش است، در تفسیر پهلوی
 اوستا (زند) به نیایش ترجمه شده‌اند.

بنابه سنت، نماز زرتشتیان پنج بار در
 روز برگزار می‌شود که هر زرتشتی
 می‌بایست در هر روز آن را به‌جا آورد
 که در ذیل به این نمازها و برخی از
 ترجمه ذکرهای آنها اشاره می‌شود:

هر نماز با این زمزمه از سروش‌باز
 (نماز سروش‌باز به ایزد سروش یا همان
 نگاهبان ارواح در این جهان اختصاص
 دارد) آغاز می‌شود:

«به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. مال جامع علوم است
 به خشنودی اهورا مزدا. اشم و هو
 (۳ بار)

برمی‌گزینم کیش مزدیسنا را که
 آورده زرتشت است و کیشی است که
 نکوهنده خدایان پنداری و ستایشگر
 آفریدگار داناست.»

سپس بنا بر آن که چه هنگامی از روز
 یا شب باشد، یکی از نمازهای پنجگانه
 خوانده می‌شود:

آسانی از موهبت بی‌شمار الاهی برخوردار گردد و زندگی آرامی را برای خود در روی زمین فراهم کند. به‌علاوه سازوکار حیرت‌انگیز تن آدمی که مخلوق خداوند است، او را قادر ساخته است که خود را با محیط پیرامونش وفق دهد. از این رو شایسته است بر بشر که پدرِ بخشنده آسمانی را با نماز روزانه‌اش، سپاس گوید.

کیش زرتشت برای نماز اهمیت بسیاری قایل است. در اوستا آمده است: «ای زرتشت، نماز نیک است، این بهترین کردار است برای بشر». عموماً زرتشتیان نماز را «بندگی» می‌دانند. همه ما در واقع بندگان خدا هستیم، و همواره آماده انجام دستوره‌های او. ما باید همچون بندگان، تسلیم خواستِ او باشیم و از او این‌گونه بخواهیم: «خدایا آنچه تو مناسب ما می‌دانی، به ما ارزانی فرما».

خداوند با خرد خویش مخلوقات شگفت‌انگیزی را خلق کرده، با مهارت خود، آنها را تداوم بخشیده است. او تغییرات فصلی ادواری‌ای را مقدر کرده تا بتوانیم از انواع گوناگون مخلوقات در فصول مختلف سال برخوردار باشیم و این تداوم بخش زندگی ماست. از این رو، اولین هدف ما در به‌جا آوردن نماز، سپاسگزاری از خداوند است.

درود و ستایش باد به پرورندگان به فراهم سازان و پرورندگان همه در بایست‌های زندگی خوش و به راهبران پیروز زرتشت پاک، سرآمد پارسایی.

● نماز اَشهین گاه (از نیمه‌شب تا برآمدن خورشید)

درود و ستایش باد به سروش پاک، پارسای پیروزمند جهان‌پرور و دادگری درست و راستین که پرورنده و آبادکننده جهان است.

در ادعیه «خُرده اوستا» علاوه بر نمازهای مذکور نیایش‌های پنج‌گانه‌ای مطرح شده است که هرکدام به ستایش و نیایش یکی از خورشید، مهر، ماه، آب و آتش اختصاص دارد که به ترتیب به خورشید نیایش، مهرنیایش، ماه نیایش، آردویسور بانو نیایش و آتش نیایش نامیده شده‌اند. و همچنین نیایش‌های کشتی افزون، ستایش خدا، پیمان دین، تندرستی و بُرساد نیز آمده‌اند.

اهمیت نماز

بشر، بهترین مخلوق خداست. او می‌تواند از دیگر مخلوقات، جهت رفع نیازهایش استفاده نماید. او می‌تواند به

مقابل نفوذ اهریمن. باید به خاطر بسپاریم که خداوند نه تنها در مورد اعمال ما، بلکه در مورد نیات ما نیز داوری می‌کند. از این رو، هنگام نماز، باید دل از اندیشه‌های اهریمنی و نیات ناشایست، آزاد و رها باشد.

نماز و سلوک اخلاقی باید ملازم یکدیگر باشند. به‌جا آوردن نمازهای روزانه از یک‌سو، و از سوی دیگر، رهاکردن اخلاق و اصول اخلاقی در زندگی روزمره و رفتار فریب‌آمیز با دیگران، دورویی است. نماز گزاردن با «تسبیح در دست و اهریمن در دل»، هرگز مورد قبول خداوند واقع نمی‌شود. نماز نباید به تبدیلی منجر شود، بلکه باید با کار و تلاش همراه باشد. طلب یاری از خداوند از یک‌سو و دست‌کشیدن از کار از دیگر سو، بیهوده است. نماز و کار و تلاش باید ملازم هم باشند. خداوند فقط یاری‌کنندهٔ کسانی است که یاری‌گر خود هستند.

عده‌ای هستند که برای خواهش‌های خویش در پیشگاه خدا نماز می‌گذارند، و هنگامی که در پاسخ به خواهش‌های خویش ناکام می‌مانند، نماز را رها کرده، حتی کافر می‌شوند. اما آنها باید بدانند که تنها خدا است که نیک و بد ما آگاه است. شکسپیر این را دقیقاً بیان کرده

بشر مستعد گناه است. او دانسته یا ندانسته، مرتکب گناه می‌شود، زیرا هیچ انسانی کامل نیست. از این رو، دومین هدف ما در به‌جا آوردن نماز، طلب بخشودگی گناهان از خداست. تقریباً در هر نماز زرتشتی برای پشیمانی از گناهان، عبارتی وجود دارد که این‌گونه آغاز می‌شود: «از همهٔ گناه، پتت [Patet: توبه]، پشیمانم».

به‌علاوه، این عملی متعارف است که خدا را برای نیل به آرزوهایمان عبادت کنیم. نماز در چنین مواردی به نوعی معامله تبدیل می‌شود. بی‌تردید، نماز درخواست کردن از خداست، اما باید در مسیر درست باشد. از این رو، سومین هدف ما در به‌جا آوردن نماز، طلب برکت از اوست، به گونه‌ای که بتوانیم معنا و محتوای زندگی مادی، اخلاقی و معنوی خود را بهتر کنیم.

نماز را باید با عشق و خلوص و حضور قلب به‌جا آورد. یک نماز واقعی هرگز بی‌پاسخ نمی‌ماند، مشروط به آنکه از خودپرستی عاری باشد. نمازی که با انگیزش بد به‌جا آورده شود، هرگز مورد قبول خداوند واقع نمی‌شود. در اوستا آمده است: نمازی که عاری از بداندیشی و با خلوص کامل به‌جا آورده شود، همچون سپری است در

زبان اصلی قرائت شود. البته ترجمه آن را می‌توان به هر زبان بومی و یا خارجی امروزی خواند. چه اشکالی دارد اگر بخشی از نماز را مانند «یَئَا اَهُو وئیرِیو» به زبان اوستایی اصلی قرائت کنیم و سپس ترجمه آن را با صدای بلند به زبان خارجی یا بومی بخوانیم؟ یک نماز تأثیرگذار باید به همان زبان اصلی خوانده شود.

منبع بخش «اهمیت نماز»:

Rustomji Motafram, Ervad Ratanshah, "Importance of Prayer in the Zoroastrian Religion", in *The Zoroastrianism, Vol. 1.*

سعید زارع

است: «ما، که غافل از حال خویشتیم، اغلب چیزی را طلب می‌کنیم که به زیان ما است، لذا نیروهای داناتر [= خداوند]، به خاطر خیر خودمان از دادن آنچه طلب می‌کنیم، امتناع می‌ورزند.» نماز ما باید از روی اخلاص باشد، این مهم‌ترین تکلیف ما است. باید به خدا توکل کرد. در گات‌ها آمده است: «اهورامزدا خود با فراست است، پس اینگونه است که هر چه او برای ما اراده کند، می‌بایست خوب باشد.» ما باید همیشه با دلی به غایت تسلیم خداوند نماز بگذاریم، این کار روح ما را تقویت می‌کند.

می‌دانیم که اکثر نمازهای زرتشتی به زبان اوستایی، که به سنسکریت نزدیک است، نوشته شده است. اوستا و سنسکریت دو زبان بسیار باستانی جهان به شمار می‌آیند. تلاوت صحیح نمازهای اوستایی، آهنگ و حالت خاصی از احساس را پدید می‌آورد. هر حرف یک واژه اوستایی تأثیرات خاصی دارد. همه حروفی که در یک واژه به کار می‌رود، تأثیری ترکیبی دارد، درست مانند داروسازی که در داروخانه مواد مختلف را مخلوط می‌کند و دارویی مؤثر را می‌سازد. از این‌رو، همیشه درست آن است که نماز به همان